بسمه تعالی

**موضوع**: واجبات رکوع /رکوع /صلاه

فهرست مطالب:

[صورت های عجز از انحناء تام در رکوع 1](#_Toc134348675)

[صورت اول 1](#_Toc134348676)

[اشکالات بیان محقق خوئی 3](#_Toc134348677)

[صورت دوم 5](#_Toc134348678)

[صورت سوم 5](#_Toc134348679)

[صورت چهارم 6](#_Toc134348680)

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته مساله دو از مسائل رکوع مطرح شد در ادامه مساله، سه صورت از صورت های عجز از انحناء تام در رکوع مطرح شد.

# صورت های عجز از انحناء تام در رکوع

بحث در صور عجز از انحناء تام در رکوع است. سه صورت مطرح شد.

## صورت اول

امر دائر است بین رکوع ناقص در حال قیام که فاقد انحناء کامل است اما صدق رکوع می کند و بین ایماء به رکوع.

محقق خوئی فرمودند: وظیفه این فرد ایماء است؛ چون عاجز از رکوع تام قیامی است و ادله می گوید: کسی که از رکوع تام قیامی عاجز است ولی عاجز از قیام نیست، ایماء کند اما در حاشیه عروه فرمودند: احتیاط کند به اینکه هم ایماء کند و هم به فتوای مشهور عمل کند که انحناء ناقص رکوعی است و قصد اجمالی کند آن چه وظیفه من است، انجام می دهم.

اشکال به فرمایش ایشان این است که اگر وظیفه اش ایماء باشد، انحناء رکوعی، زیاده رکوع می شود.

ما کلام ایشان را توجیه کردیم که رکوع متقوم به قصد تعظیم است و این شخص اجمالا قصد تعظیم می کند که اگر وظیفه من ایماء است با ایماء قصد تعظیم می کنم و اگر وظیفه من انحناء است با آن قصد تعظیم می کنم با این جواب به نظر ما مشکل حل می شود و فکر می کردیم محقق خوئی هم همین را می خواهند بگویند اما این تصور اشتباه است.

ایشان در بحث زیاده رکوع نظرشان ادواری داشته است، در این بحث نظرشان این است که همانطور که نقیصه رکوع و سجود شرعی مبطل نماز است، یعنی آن رکوع و سجده ای که مامور به است، مثل اینکه ولو سهوا سجده بر مکان نجس کند، نماز باطل است، در زیاده هم می گفتند: زیاده رکوع شرعی مبطل است، یعنی رکوعی که مامور به این شخص است مثلا سهوا یا عمدا رکوع دوبار انجام دهد، مبطل نماز است.

ایشان هم در موسوعه ج 15 ص 36 ذیل مساله 4 این را بیان کردند و فرمودند:

«أنّ الدليل المانع من زيادة الركوع من حديث لا تعاد أو غيره يشمل ما إذا كان الزائد مثل هذا الركوع، فالإلحاق في محلّه مع مراعاة التفصيل بين السعة و الضيق كما عرفت.و أمّا إذا بنينا على انصرافه عن الركوع الانحنائي كما لا يبعد»[[1]](#footnote-1)

در مصباح العروه که تقریرات مخطوط از درس محقق خوئی است که توسط آیت الله حاج سید رضی مرعشی رحمه الله علیه نوشته شوده است، صریحا این بیان شده است:

«الانحناء الناقص لمن حصل له التمکن من الانحناء التام لیس برکوع مامور به فزیادته لیست زیاده الرکوع .... المبطل زیاده رکوع المامور به»

ظاهر رکوع در حدیث لاتعاد، رکوع مامور به از حیث نقیصه و زیاده است و طبق این بیان، شخصی که هم انحناء می کند و هم ایماء می کند، قصد جزئیت در هر دو ندارد و قصدش نسبت به آن چیزی است که مامور به است و اگر مامور به آن، ایماء باشد، رکوعش، رکوع مامور به نیست؛ یعنی رکوع مامور به در حق این مکلف نیست ولو ممکن است مامور به در حق مکلف دیگری باشد و همین کافی است که بگویم رکوع مامور به نیست.

اما در بحث سجود نظرشان عوض شده است و مطالبی که در جلسه گذشته مطرح شد، براساس نظرات ایشان در سجود است که این نظریات، آخرین نظریات ایشان است.

ایشان در ج 15 موسوعه ص 144 و در مصباح العروه هم آمده است که زیاده رکوع مبطل است ولو زیاده عرفی باشد و در نقیصه فقط نقیصه رکوع شرعی مبطل است مثل اینکه رکوع می کند اما واجد شرط نیست ولو سهوا باشد، نماز باطل است اما به لحاظ زیاده رکوع، زیاده رکوع عرفی ولو سهوا، ولو بدون قصد جزئیت، مبطل نماز است و زیاده سجود عرفی هم همینطور است. دلیل ایشان این است که در روایت نهی از قرائـت آیه های سجده دار کرده و تعلیل کرده است که «فَإِنَّ السُّجُودَ زِيَادَةٌ فِي الْمَكْتُوبَةِ»[[2]](#footnote-2) سجود تلاوت انجام نده؛ چون سجود تلاوت مصداق سجود است که زیاده در نماز فریضه است و در سجود تلاوت اصلا شرایط سجود صلاتی معتبر نیست؛ پس سجود تلاوت سجود مامور به صلاتی نیست؛ چون مثلا وضع مواضع سبعه لازم نیست، وضع علی ما یصح علیه السجود لازم نیست؛ لذا فهمیده می شود، مبطل نماز زیاده رکوع و سجود عرفی است.

### اشکالات بیان محقق خوئی

در این بیان ایشان دو مطلب است:

**یک:** اگر نظرتان برگشته است باید مطالب گذشته را که براساس مطالب قبل فرمودید را باید عوض کنید.

در این مساله 2 و در مساله 4 فرمودید: زیاده رکوع مامور به مبطل است نه زیاده رکوع غیر واجد شرایط و اگر نظرتان عوض شده است باید حکم را عوض کنید.

در مساله 2 فرمودید: باید احتیاط کند به اینکه هم ایماء کند و هم انحناء کند و تا حالا می فرمودید: این رکوع انحنائی بنابر وجوب ایماء، رکوع مامور به نیست و لذا زیاده آن چون به قصد جزئیت نیست و از باب تعبد خاص میخواهیم مبطل بودن را قائل شویم و آن تعبد خاص این مورد را شامل نمی شود.

اما در مساله سجود نظرتان عوض شد و فرمودید زیاده رکوع عرفی هم مبطل است.

در این اختلاف نظر یا توجیه ما را مطرح کنید و یا این حکم را عوض کنید؛ چون در این احتیاط بین ایماء و رکوع انحنائی، رکوع انحنائی، رکوع عرفی است و اگر ایماء واجب باشد، رکوع عرفی مبطل است.

**دو:** ما معتقدیم چه نقیصه و چه زیاده، معیار رکوع عرفی است، همانطور که استاد ما محقق تبریزی و محقق سیستانی قائلند؛ چون در روایت « لَا تُعَادُ الصَّلَاةُ إِلَّا مِنْ خَمْسَةٍ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ»[[3]](#footnote-3) مراد رکوع و سجود عرفی است و جایی نگفته است که رکوع یا سجود واجد شرایط اما دلیل محقق خوئی جالب است:

ایشان در بحث سجده فرمودند: روایت می گوید: «فَإِنَّ السُّجُودَ زِيَادَةٌ فِي الْمَكْتُوبَةِ»[[4]](#footnote-4) و به اولویت قطعیه به رکوع تعدی کردیم و لازم نیست سجود تلاوت واجد شرایط سجود صلاتی باشد.

درحالیکه نظرتان این است که سجده تلاوت باید شرایط سجود صلاتی را داشته باشد، بله لازم نیست واجد شرایط نماز باشد؛

شرایط نماز مثل ستر عورت، طهارت و استقبال قبله است اما شرایطی را برای سجده ذکر کرده اند و در موسوعه ج 15 ص 215 تصریح کردید که شرایط سجده در سجده تلاوت هم معتبر است؛ چون دلیلش معتبر است و در منهاج الصالحین و تعلیقعه عروه احتیاط واجب کردید که شرایط سجود رعایت شود.

علاوه بر اینکه سجود تلاوت به لحاظ سجود تلاوت، واجد شرایط سجود تلاوت است بله به لحاظ امر شرعی به سجده تلاوت لابشرط است اما به لحاظ سجود تلاوت واجد شرط است؛ چون شرطش این است که قصد سجود شود و بیشتر از این شرط ندارد و این معنایش این نیست که سجود تلاوت، سجود مامور به نیست. طبق نظر مشهور سجود تلاوت، شرایط سجود در نماز را ندارد و همین که قصد سجده تلاوت کند و سجده برود، کافی است. پس این وجهی که برای رفع ید از مبنای سابق ذکر کردید، صحیح نیست. بیان ایشان این است:

«حيث طبّق (عليه السلام) عنوان الزيادة على سجود التلاوة، مع أنّه سجود عرفي قطعاً، لعدم اعتبار الوضع على ما يصح‌ السجود عليه في هذا السجود، بل يكفي كيف ما اتّفق»[[5]](#footnote-5)

علاوه بر اینکه مگر بحث ما در روایات ناهیه از سجود تلاوت در نماز است؟ بحث در حدیث لاتعاد است که زیاده در سجود و رکوع عرفی را داخل در عقد مستثنی منه می کند که می گوید: لاتعاد یا داخل در عقد مستثنی می کند که می گوید: تعاد؟

اینکه روایت نهی از سجده عرفی می کند که مهم نیست، مهم این است که زیاده سجده عرفی سهوا مشمول حدیث لاتعاد است یا خیر؟

ما مبنای دوم ایشان را قبول داریم که زیاده رکوع و سجود عرفی مبطل است نه زیاده رکوع و سجود شرعی و الا لازمه اش این است کسی که نماز ایستاده باید بخواند، اگر قبل از سجده، 10 بار رکوع جلوسی بکند و قصد جزیئت هم نمی کند (چون اتیان به شی که مامور به نیست، اگر به قصد جزئیت باشد، مصداق زیاده است و نیاز به نص خاص ندارد) نمازش صحیح باشد؛ چون این رکوع جلوسی در حق او که رکوع شرعی نیست، در حق مریض رکوع شرعی است. آیا این قابل التزام است؟ خود ایشان در ذیل مساله 4 به این مطلب ملتزم نشده اند و فرمودند: که کسی که وظیفه اش رکوع ایستاده است، اگر سهوا رکوع جلوسی کند، نمازش صحیح است، بلکه گفته اند: نمازش باطل است.

مبنای ایشان در این مساله 2 و مساله 4 این است که زیاده رکوع و سجود شرعی مبطل است و لذا ایشان در مساله 4 فرمودند: طبق مسلک مشهور اگر فردی باید رکوع ناقص قیامی انجام می داده است و آن را انجام داد و بعد قادر شد، نمازش صحیح است و رکوع تام قیامی انجام می دهد و لازم نیست نماز را اعاده کند؛ چون آن رکوع ناقص قیامی که وظیفه اش نبوده است؛ چون کشف شد که قادر بر رکوع تام قیامی قادر بوده است و آن زیاده رکوع عرفی است نه زیاده رکوع مامور به؛ چون رکوع مامور به این شخص، رکوع تام قیامی است نه آن رکوع ناقص قیامی.

محقق خوئی می فرمایند: اگر کسی اشتباها دو سجده بر فرش کند و بعد ملتفت بشود، این نماز باطل است؛ چون زیاده سجود عرفی کرده است.

اشکال نکنید که زمانی زیاده است که دو سجده بر مهر کند و اگر سجده بر مهر کند جعل السابق زیاده است و ادله زیاده از این موارد منصرف است؛ چون ایشان به زبان حال می فرمایند: این مبنای من نیست، مبنای حاج شیخ عبد الکریم حائری و محقق زنجانی است و مبنای ما این است با انجام آن دو سجده بر فرش زیاده محقق می شود، آن دو سجده ایجاد زیاده است.

## صورت دوم

دوران امر بین انحناء قیامی بدون صدق رکوع و ایماء که مشهور گفته اند باید انحناء قیامی کند اما نظر ما مثل محقق خوئی و محقق سیستانی است که فرمودند: باید ایماء کند.

## صورت سوم

دوران امر بین سه فعل بود، دوران بین انحناء ناقص قیامی (رکوع عرفی است اما رکوع کامل نیست به اینکه یدین به رکبتین برسد) و بین رکوع تام جلوسی و بین ایماء

مشهور گفتند: رکوع ناقص قیامی انجام دهد و محقق سیستانی هم گفتند: رکوع ناقص قیامی اما نه به مقدار ممکن بلکه به مقدار عرفی باشد، کافی است و محقق خوئی هم با صاحب جواهر موافقت کردند به اینکه ایماء کند. قول چهارم هم در این مساله احتیاط است که مرحوم گلپایگانی فرمودند: یک نماز با رکوع جلوسی و یک نماز با رکوع ناقص قیامی، البته احتیاط کامل این نیست؛ چون احتمال ایماء هم مطرح است؛ لذا مرحوم حائری و مرحوم خوانساری احتیاط می کردند که یک نماز با ایماء هم بخواند.

محقق خوئی می فرمایند: کسی که تمکن از رکوع تام که بر او واجب است، ندارد، باید ایماء کند و چنین فردی که وظیفه اش رکوع قیامی تام است و بر آن قادر نیست، باید ایماء کند.

صاحب جواهر وجه دیگری مطرح کردند: «اگر چنین فردی رکوع جلوسی کند، قبل از رکوع جلوسی ، جلوس می کند و قیام قبل از رکوع او مختل می شود و قیام قبل بعد از رکوع واجب است؛ لذا رکوع جلوسی نباید انجام دهد»[[6]](#footnote-6)

جواب این بیان این است که قیام قبل از رکوع قیامی واجب است؛ لذا اگر وظیفه اش رکوع جلوسی است دیگر قیام قبل از رکوع جلوسی واجب نیست. قیام قبل از رکوع، واجب تبعی است و رکوع جلوسی به رکوع عن قیام منصرف نیست بلکه به رکوع عن جلوس منصرف است.

## صورت چهارم

دوران امر بین سه فعل است، یا انحناء قیامی کند بدون صدق رکوع یا رکوع تام جلوسی (تام یعنی صورت مقابل زانوان قرار می گیرد) و بین ایماء

صاحب عروه فرمودند: باید انحناء قیامی کند ولو صدق رکوع نکند.

محقق خوئی و محقق سیستانی می فرمایند: باید ایماء کند؛ چون انحناء او به مقدار عرفی نیست که صدق رکوع کند و رکوع تام جلوسی، وظیفه کسی است که نتواند قیام کند. روایت می فرماید: «ان استطعتم فصلوا قیاما»[[7]](#footnote-7) یا «صلاه السفینه ایماء» ولو در سفینه اگر بنشیند، اضطراب افتادن و غرق ندارد با این حال گفته اند: ایماء کند.

حاج شیخ عبدالکریم حائری فرمودند: احتیاطا دو نماز خوانده شود یکی با انحناء قیامی و دیگری رکوع جلوسی.

به نظر ما در احتیاط باید نماز ایستاده ایمائی هم مطرح شود، اگر چه نماز ایستاده با انحناء قیامی را لازم نمی دانیم؛ لذا احتیاط بین دو نماز را قائلیم که یک نماز با ایماء و یک نماز با رکوع جلوسی تام بخواند؛ چون دلیل مطلقی بر ایماء نداریم؛ لذا کسی که نماز ایستاده می خواند اما رکوع عرفی قیامی نمی تواند انجام دهد، دلیل نداریم که باید ایماء کند؛ شاید وظیفه اش رکوع تام جلوسی باشد.

به حسب بحث استدلالی به نظر ما رکوع تام جلوسی ترجیح دارد، چون ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا﴾[[8]](#footnote-8) امر به رکوع می کند و ایماء رکوع نیست اما رکوع جلوسی رکوع عرفی است اما در مقام فتوا، احتیاط این است که یک نماز با رکوع تام جلوسی و یک نماز با ایماء بخواند.

مراد ما از رکوع تام جلوسی، نماز نشسته نیست بلکه ایستاده نماز می خواند و بعد موقع رکوع جلوس می کند و رکوع جلوسی انجام می دهد.

1. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج15، ص36.](http://lib.eshia.ir/71334/15/36/المانع) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص318.](http://lib.eshia.ir/11005/3/318/المکتوبه) [↑](#footnote-ref-2)
3. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص339.](http://lib.eshia.ir/11021/1/339/لا%20تعاد) [↑](#footnote-ref-3)
4. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص318.](http://lib.eshia.ir/11005/3/318/المکتوبه) [↑](#footnote-ref-4)
5. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج15، ص145.](http://lib.eshia.ir/71334/15/145/طبق) [↑](#footnote-ref-5)
6. [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج10، ص80.](http://lib.eshia.ir/10088/10/80/لتحصیل) [↑](#footnote-ref-6)
7. - این تعبیر در روایات یافت نشد شاید مراد استاد مضمون این روایت است «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يُسْأَلُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي السَّفِينَةِ فَيَقُولُ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَخْرُجُوا إِلَى الْجَدَدِ فَاخْرُجُوا فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَصَلُّوا قِيَاماً فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا فَصَلُّوا قُعُوداً وَ تَحَرَّوُا الْقِبْلَةَ» کافی، ج 3، ص 441 [↑](#footnote-ref-7)
8. سوره الحج، آيه 77. [↑](#footnote-ref-8)